

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور عثمان تره کی

۲۰ سپتمبر ۲۰۱۲

## حلول روح چنگیز در کالبد جنرالان ناتو

بارها واقع شده است که به دنبال حمله مخالفین مسلح به اهداف نظامی خارجی، ائتلاف نظامی بین المللی (ا، ن، ب) در ناتوانی دسترسی به دشمن یا اراده تحمل بیشترین تلفات به طرف مقابل، با کمال ناجوانمردی مردم ملکی را هدف «انتقام جویی» قرار داده اند. این بار به انتقام تلاش مقاومت برای قتل شهزاده «هری» در کمپ برتانوی «باستن» هلمند (جمعه ۱۴ سپتمبر) که طی آن دو سرباز امریکائی کشته و ۶ تیاره جت ویران گردید، زنان و اطفالی که در یکی از مزارع لغمان هیزم گرد آوری می کردند قربانی حمله ارادی و انتقام جویانه طیارات ناتو شدند. به شیوه گذشته، ائتلاف نظامی از جنایت مرتکب شده پوزش خواست و اداره کابل کمیون تحقیق تعیین کرد. دوسیه طبق معمول یک دهه جنگ بعداً در آرشیف برای ابد حفظ خواهد گردید.

تحرک اقتصادی و رفاه زندگی در کشور های پیشرفته صنعتی با توسعه ساحات نفوذ در جغرافیای اقتصادی جهان که غالباً شامل ممالک عقب مانده می گردد، به شدت گره خورده است. قرار راپور مؤسسه جهانی انرژی طی ۲۵ سال آینده تقاضا برای انرژی در دنیا ۳۵ فیصد (در حد افزایش متوسط ۱,۶ فیصد سالانه) بلند خواهد رفت. در افزایش این تقاضا سهم هند و چین بسیار برآورده است. در حال حاضر منابع فوسیلی ۸۰ فیصد (پترول ۴۰ فیصد، ذغال ۲۰ فیصد و گاز ۲۰ فیصد) انرژی جهان را تدارک می نماید. با ملاحظه آهنگ فعلی مصرف، ذخیره جهانی پترول در طول ۴۰ سال، گاز طی ۶۰ سال و ذغال در عرصه ۲۰۰ سال به پایان می رسد. جنگ افغانستان را باید در محتوای ستراتیژی کنترول منابع انرژی ارزیابی کرد که در آن شعار «کشتن برای زنده ماندن» محرک قتل و قتال رایگان توسط سربازان خارجی می گردد.

واضع است! به هر پیمانۀ ای که فشار کمبود و قلت انرژی احساس می گردد ، به همان اندازه غرایز خبیث، حرص، جاه طلبی و توسعه جوئی استقامت سیاست را تعیین می کند و به همان مقیاس ارزش های اخلاقی و حقوقی به عقب رانده می شود: مسابقۀ تسلیحاتی انگیزه دریافت می کند و دنیای متمدن به سطح جنگل مملو از جناور تنزل می نماید که در آن زور حاکم و تنها زور آور زنده است .

در بحران افغانستان وقتی مشاهده می شود که لشکریان پیشرفته ترین و به نحوی متمدن ترین کشور های جهان موازین اخلاق جنگی و اصول حقوق بین المللی را لگد مال می کنند و در نبود یا کمبود دشمن انتقام را از مردم ملکی می گیرند ، چه تدبیری به عنوان عکس العمل برای مخالفان غیر مسلح باقی می ماند ؟ شعار ؟ سرودن شعر حماسی ؟ تنظیم مظاهره ؟ تدویر کانفرانس ... ؟ ...

طی ده سال همه شیوه های مسالمت آمیز و نرم مبارزه برای پایان بخشیدن جنگ مورد آزمایش قرار گرفت . از تخطی از قوانین جنگ هوشدار داده شد . پلان های صلح که منافع همه جوانب را در نظر می گرفت روی میز گذاشته شد . همه بدون نتیجه .

درین اواخر عکس العمل در برابر فجایع قوت های خارجی محدود به حلقۀ روشنفکر که به نرخ روز سیاست می کند باقی نمانده است : افشار وسیع عوام الناس در برابر حوادث ناگوار از ابراز طوفان هیجان و احساسات خودداری نتوانسته اند .

در مقابل جنایات ارتکاب شده توسط جنرالان ناتو و امریکا از نوع بمباردمان عزیز آباد هرات الی کشتار زنان و اطفال در لغمان ( که در مواردی با اعطای مدال و وزیر اکبر خان به قومندانان ناتو از جانب کرزی تشویق صورت گرفت است ) ، در فقدان یک حکومت بازخواستگر ، مردم ابتکار نشان دادن عکس العمل را از طرق مختلف رویدست گرفته اند: فرار از اردو ، حملات داخلی بر سربازان خارجی ، مظاهرات مسالمت آمیز و پیوستن به صفوف مقاومت ، مظهر بیداری وجدان جمعی جامعه افغانی در برابر جنایات قوت های خارجی و مزدوران داخلی است .

امریکا که ائتلاف نظامی بین المللی را رهبری می کند از مذاکره با مقاومت مسلح و صلح وحشت دارد . آنهم در شرایطی که مخالفین مسلح به تدریج انگیزه های ادامه جنگ را از میان برده اند : از حقوق بشر و حقوق زن حمایت می کنند ، دموکراسی را در حد قابل هضم برای جامعه افغانی می پذیرند و با کشودن فصل نو زندگی سیاسی ، دفع خطر صدور نا امنی از ناحیه افغانستان را تضمین می کنند .

امریکا در مخالفت مذاکره با مخالفین ، منطق جنگی خود را دارد : حضور دوامدار در افغانستان و استمرار جنگ ایجاب موجودیت یک دشمن را می کند . با مذاکره و مفاهمه با مقاومت مسلح دشمن داخل پروسه صلح می شود و جنگ پایان می یابد . سیاست مداران و نظامیان امریکا تا حال ندانسته اند که در منطقه این تنها مقاومت افغانی نیست که علیه آنها می جنگند ...

واقعیت اینست که جنگ توسط قوت های خارجی آغاز شده و باید توسط آنها خاتمه پیدا کند. مخالفین مسلح در موضع دفاعی در برابر یک جنگ نابرابر و ظالمانه تحمیلی که به تدریج شکل ژنوساید را گرفته است ( حادثه لغمان تصادفی نیست : تسلسل قتل عام مردم مسکون در ساحه معین جغرافیائی است ) ، جز ادامه نبرد چاره ای ندارند .

سؤال بزرگ اینست که آیا ( ا ، ن ، ب ) با کشتار مردم بیگناه ملکی ، خود انگیزه استفاده از بم های انتحاری را به دسترس مخالفین نمی گذارد ؟

وقتی درب های مذاکره سیاسی از یک طرف و داد خواهی به ضد استفاده از جنگ به مثابه افزار انتقام جوئی از جانب دیگر بسته بود و شعار و کنفرانس و پلان صلح نتیجه نداد ، چه راهی جز بم انتحاری ( که به دلیل کشته شدن غیر نظامیان مورد تأیید نیست ) به مثابه عکس العمل برای مخالفین مسلح سر و پا برهنه باقی می ماند؟ استفاده از بم های انتحاری که به دنبال آن افراد ملکی تلف می شوند به پیمانۀ حملات هوائی که خشک و تر را همزمان می سوزاند ، غیر قابل توجیه است. این توجیه ناپذیری وقتی به سطح بد اخلاقی تنزل می کند که در غیاب دشمن انتقام جوئی از ملکبان انگیزه حمله باشد . و از این هم توجیه ناپذیر تر صدور فتوای اعدام مخالفین مسلح در « چار دروازه کابل » از جانب رسول سیاف و چشم پوشی بیدریغ در برابر جنایات خارجی است .

تصور عمومی چنان است که قرن ۲۱ ، به دلیل پیشرفت چشمگیر ساینس و تکنولوژی ، دوران جهانی شدن ارزش هائی چون آزادی ، عدالت ، صلح و رفاه همگانی است . اما وقتی جنرالان ناتو در یک جنگ تحمیل شده و ظالمانه به قصد انتقام جوئی بر مردم ملکی حمله می کنند ، دیگر جای شک باقی نمی ماند که در قرن ۲۱ روح چنگیز کالبد جدیدی یافته است .

« پایان »

فرانسه - ۱۸ سپتمبر ۲۰۱۲